

از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار

دکتر محمدحسین رمضانی قوام‌آبادی*

چکیده

مفهوم توسعه پایدار از گزارش برونتلند موسوم به «آینده مشترک ما» (۱۹۸۷) نشأت می‌گیرد. کنفرانس ریو دو ژانیرو (۱۹۹۲) تحت تاثیر فعالیت کشورهای در حال توسعه و با محوریت توسعه پایدار برگزار شد. بعد از این کنفرانس، مفهوم توسعه پایدار تقریباً در تمامی اسناد مربوط به محیط زیست نمود یافت. ریو + ۲۰ نام کنفرانس ملل متحد در مورد توسعه پایدار است که در سال ۲۰۱۲ یعنی درست ۲۰ سال بعد از کنفرانس اول ریو دو ژانیرو برگزار گردید. هدف اصلی این کنفرانس ارائه یک دیدگاه منسجم و جامع در مورد مسائل بزرگ زیست‌محیطی بود. ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار یعنی بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و همچنین اقتصاد سبز در مرکز مباحثات این کنفرانس قرار داشت. در نهایت این کنفرانس کار خود را با تصویب یک سند تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» پایان داد. این تحقیق در پی تجزیه و تحلیل توسعه پایدار در چارچوب سه مرحله مختلف در رابطه با:

الف) ظهور توسعه پایدار

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

ب) تداوم و تقویت توسعه پایدار

ج) ارزیابی گذشته و حال و در نهایت دورنمای اتی توسعه پایدار در مقابل چالش‌های زیست‌محیطی می‌باشد.

کلید واژگان

محیط زیست، توسعه پایدار، کنفرانس ریو + ۲۰، اقتصاد سبز، نسل‌های آینده.

مقدمه

از زمان شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست در سال ۱۹۷۲، این رشته از حقوق بین‌الملل تحولات زیادی داشته است. نقش محوری سازمان ملل متحد در تحولات این رشته و حفاظت از محیط زیست بر هیچ کس پوشیده نیست زیرا از بدو شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست این سازمان در برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست پیشرو بوده است. یکی از اشتغالات مهم سازمان ملل متحد مباحث توسعه است که در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی مورد اهتمام این سازمان می‌باشد. ایجاد تعادل بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست از ابتدا در کنفرانس‌های متعدد زیست‌محیطی که زیر نظر سازمان مزبور تشکیل شده لحاظ گردید.

با وجود شناسایی توسعه پایدار به‌عنوان یکی از اهداف و موضوعات غالب اسناد بین‌المللی در زمینه محیط زیست، همچنان در مورد تعریف و ماهیت حقوقی آن ابهامات زیادی وجود دارد. به منظور تحقق توسعه پایدار، اصول متعددی در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط زیست تدوین شده است که همه آن‌ها از اعتبار واحدی برخوردار نیستند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که منظور از توسعه پایدار چیست و چقدر توانسته است در حفاظت از محیط زیست ایفای نقش نماید؟ در ادامه پرسش‌های فرعی دیگری در راستای پرسش اصلی مطرح می‌شود؛ از جمله اینکه کنفرانس‌ها و اجلاس‌های مربوط به محیط زیست و توسعه چقدر به مفهوم توسعه پایدار عینیت داده‌اند؟ اجرای توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل چگونه است؟

فرضیه اصلی این تحقیق بر این اصل استوار است که همچنان در مورد تعریف و

ماهیت حقوقی توسعه پایدار ابهامات زیادی وجود دارد؛ اما با وجود این تاکید بر توسعه پایدار در اسناد ملی و بین‌المللی می‌تواند به بهبود وضعیت محیط زیست بیانجامد. فرضیه‌های فرعی این تحقیق مبتنی بر اهمیت و ضرورت برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های بین‌المللی در رابطه با محیط زیست و توسعه پایدار است و با وضع مقررات هنجاری و الزام‌آور در این خصوص اجرا و تحقق بستری مناسب برای توسعه پایدار فراهم می‌شود. هدف این تحقیق، واکاوی مفهوم توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط زیست و تجزیه و تحلیل آن در پرتو ادوار سه‌گانه آن یعنی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۲ و بعد از آن خواهد بود.

توسعه پایدار از کنفرانس ریو دو ژانیرو برزیل در سال ۱۹۹۲ صورت‌بندی شد و می‌توان تحولات مربوط به آن را به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول یا دوره شکل‌گیری توسعه پایدار در سال ۱۹۹۲؛ دوره دوم که از سال ۲۰۰۲ با کنفرانس ژوهانسبورگ تداوم پیدا کرد؛ و النهایه دوره سوم که از سال ۲۰۱۲ با کنفرانس ریو + ۲۰ آغاز گردید. لذا تلاش می‌شود موضوع توسعه پایدار را مورد کنکاش و بررسی قرار داده و رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به آن را در پرتو کنفرانس‌های برگزار شده در طی ۲۰ سال اخیر مطالعه کنیم.

فصل نخست) صورت‌بندی توسعه پایدار(دوره‌ی اول)

درست ۲۰ سال بعد از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲، موضوع توسعه پایدار در قالب اعلامیه ریو ۱۹۹۲ صورت‌بندی شد.^۱ خمیرمایه اصلی توسعه پایدار در گزارش خانم برونتلند سر رشته شد^۲ و عملاً این گزارش به عنوان مبنای اصلی کنفرانس ریو قرار گرفت. با درخواست مجمع عمومی در سال ۱۹۸۳ جهت تهیه گزارشی به منظور بررسی وضعیت محیط زیست و توسعه در جهان، کمیسیون مستقلی به ریاست خانم برونتلند تشکیل شد. از کمیسیون یاد شده درخواست شد تا یک راهبرد بلندمدت برای سال ۲۰۰۰ ارائه دهد. در نهایت این گزارش که موسوم به گزارش «آینده مشترک ما» یا «گزارش برونتلند» است در سال ۱۹۸۷ تهیه شد. همان‌طور که در بالا اشاره شد گزارش برونتلند مبنای کنفرانس ۱۹۹۲ ریو قرار گرفت و خطوط اصلی این گزارش در اعلامیه ریو و در دستور کار ۲۱ منعکس گردید. به منظور روشن شدن موضوع توسعه پایدار، ابتدا مفهوم توسعه پایدار (الف) و سپس ماهیت حقوقی آن (ب) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. توسعه پایدار به صورت ضمنی در اصول ۵ و ۸ اعلامیه استکهلم مورد شناسایی قرار گرفت. اصل ۵ اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد: «از منابع غیر قابل تجدید کره زمین باید به گونه‌ای بهره‌برداری کرد که در معرض تهی شدن قرار نگرفته و همه بشریت در منابع حاصل از بهره‌برداری از آن سهیم باشند». اصل ۸ اعلامیه اشعار می‌دارد: «توسعه اقتصادی و اجتماعی برای تضمین محیط زیستی مناسب جهت زندگی و محیط کار انسان و ایجاد شرایط ضروری برای بهبود کیفیت زندگی لازم است».

۲. البته لازم به ذکر است که برای اولین بار مفهوم توسعه پایدار به نحوی در «راهبرد جهانی حفاظت» در سال ۱۹۸۰ مطرح گردید. بر اساس این سند توسعه پایدار نوعی توسعه است که بهبود واقعی کیفیت حیات

الف) مفهوم توسعه پایدار: تعادل انسان‌محوری و زیست‌محوری

در خصوص ارتباط بین انسان و محیط زیست سه رویکرد مختلف وجود دارد. ۱- رویکرد انسان‌محوری محض و سخت؛ طبق این رویکرد هدف اصلی دسترسی و بهره‌برداری فوری از منابع طبیعی است. نگاه انسان به محیط زیست تنها برای رفع نیازها و بهره‌برداری اقتصادی صرف از آن می‌باشد. ۲- رویکرد انسان‌محوری؛ بر خلاف رویکرد انسان‌محوری محض و سخت، در این رویکرد، انسان به عنوان بخشی از محیط زیست به شمار می‌آید که باید همانند سایر اشکال حیات و بدون توجه به بهره‌ای که برای انسان دارد مورد پشتیبانی قرار گیرد. ۳- عدالت زیست‌محیطی؛ عدالت زیست‌محیطی بر سه جنبه‌ی عدالت میان انسان‌ها در تقسیم بهره‌مندی از محیط زیست، عدالت میان نسل‌های کنونی و آینده و عدالت میان گونه‌ها (انسان و دیگر گونه‌ها) تاکید دارد. بدین ترتیب در رویکرد زیست‌محوری، احترام به محیط زیست، تنها به خاطر خود محیط زیست است و نه به خاطر سودی که برای انسان به ارمغان می‌آورد.

یکی از مصادیق بارز رویکرد انسان‌محوری، در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت ۱۹۴۷ (گات) وجود داشت؛ چه آن سند از «حداکثر استفاده از منابع جهانی» صحبت

←
بشر و در همان حال حفظ تنوع زمین را مورد توجه قرار می‌دهد. امروز، این مفهوم به نظر آرمانی است اما قابل تحقق است و بسیاری افراد که بیش از پیش متقاعد شده‌اند که این توسعه تنها انتخاب معقول می‌باشد. نک به:

Stratégie mondiale de la conservation, UICN, PNUE et WWF, 1980.

می‌کرد. اما این رویکرد با تاسیس سازمان جهانی تجارت تغییر کرد. در دیباچه موافقت‌نامه مراکش ۱۹۹۴ که به‌عنوان سند تاسیس این سازمان تلقی می‌گردد به‌طور صریح موضوع «بهره‌برداری مناسب از منابع جهانی مطابق با اهداف توسعه پایدار» پیش‌بینی گردید و بدین وسیله رویکرد سنتی گات پشت‌سر گذاشته شود.^۳

توسعه پایدار، در تقابل دو ضرورت مهم توسعه یافتگی و حفاظت از محیط زیست در ادبیات حقوقی وارد شد. مواضع متفاوت هر یک از دولت‌های توسعه یافته و در حال توسعه در خصوص توسعه و حفاظت از محیط زیست گویای نگرانی هر یک از آنها می‌باشد. تقارن شکل‌گیری حقوق بین‌الملل محیط زیست و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته، اختلافات مربوط به این حوزه را بیش از پیش دامن زد. بعد از استقلال سیاسی موضوع استقلال اقتصادی مطرح شد و بدین منظور کشورهای جهان سوم، نظم نوین اقتصادی بین‌المللی را در پهنه سازمان ملل متحد دنبال کردند. به لطف اکثریتی که این کشورها در مجمع عمومی این سازمان داشتند اقدام به تصویب قطعنامه‌هایی همچون «منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها» و «حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی» نمودند. از این طریق کشورهای مزبور با دریافت کمک‌های مالی از کشورهای توسعه یافته و همچنین ملی کردن اموال آنها به دنبال ایجاد پیوندی تنگاتنگ بین ملی کردن، استعمارزدایی و توسعه برآمدند. این رویکرد سایه خود را بر کنفرانس‌های استکهلم ۱۹۷۲ و ریو ۱۹۹۲ افکند. در کنفرانس اول محیط زیست به هیچ وجه موضوع توسعه به آن شکلی که بعداً در

3. Voir, Accord instituant l'Organisation mondiale du commerce, préambule.

کنفرانس ریو ۱۹۹۲ مطرح شد مورد توجه قرار نگرفت ضمن اینکه کنفرانس هم در یک کشور توسعه یافته برگزار گردید؛ در حالی که کنفرانس دوم تحت تاثیر اوضاع و احوال جهانی در یک کشور در حال توسعه برگزار شد و موضوع توسعه پایدار در دستور کار آن قرار گرفت و تلاش شد تا منویات این کشورها لحاظ گردد.

گزارش خانم برونتلند توسعه‌ای را پایدار می‌داند که «نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های حاضر و آینده را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده در برآورده کردن نیازهایشان تامین کند». اعلامیه ریو ۱۹۹۲ با اقتباس از این گزارش در اصل ۳ خود اشعار می‌دارد: «حق بر توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های فعلی و آینده را تامین نماید». بلافاصله اصل ۴ اعلامیه مقرر می‌دارد: «برای نیل به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید بخش جدانشدنی فرایند توسعه باشد و نمی‌تواند از آن جدا تلقی گردد».

ترکیب موضوعات «توسعه» و «پایداری» دو موضوع پویایی و ثبات را به ذهن متبادر می‌سازد و بر این اساس در توسعه دستیابی به منابع و در پایداری عدالت و انصاف درون و میان نسلی مطرح می‌باشد. توسعه پایدار به مثابه دو روی یک سکه می‌ماند که یک طرف آن توسعه و طرف دیگر حفاظت از محیط زیست است. توسعه و حفاظت از محیط زیست لازم و ملزوم یکدیگرند و یکی را بدون دیگری نمی‌توان تصور کرد. «نیازهای مربوط به توسعه» مندرج در گزارش خانم برونتلند و اصل ۳ اعلامیه ریو به نیازهایی اطلاق می‌شود که جنبه اصلی و اساسی با بیشترین الویت را دارند. از طرف دیگر یک محدودیت برای استفاده از منابع طبیعی جهت توسعه در نظر گرفته شده است و آن نیز چیزی جز توانایی و

ظرفیت محیط زیست نیست. محدودیت لحاظ شده در این باره پاسخگوی نیازهای نسل‌های فعلی و آینده است که در مجموع خود تبلور عینی پایداری و عدالت درون و میان‌نسلی خواهد بود.

بنابراین اعلامیه ریو طی اصول سوم و چهارم در پی تعریفی از توسعه پایدار است و بر این اساس از توسعه و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان دو رکن اصلی و مهم یاد می‌کند. اصل ۲۵ اعلامیه ریو مقرر می‌دارد: «صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست وابسته و غیر قابل تجزیه از یکدیگرند». در اصل پیشگفته علاوه بر توسعه و حفاظت از محیط زیست، یک موضوع جدید بدان اضافه می‌شود و باز بر وابستگی و غیر قابل تفکیک بودن آن‌ها تاکید می‌گردد. در اصل ۴ فقط به توسعه و حفاظت از محیط زیست اشاره می‌شود اما در اصل ۲۵ «صلح» هم به آن دو اضافه می‌گردد. صلح یکی از اهداف اصلی و اولیه سازمان ملل متحد است و کلیه اقداماتی که در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای صورت می‌گیرد به نحوی در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. قرار گرفتن موضوع «صلح» در کنار توسعه و حفاظت از محیط زیست گویای اهمیت این دو موضوع اخیر است. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین اشتغالات شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشد و به سبب تحولات اخیر جامعه بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست، امروزه حتی از صلح و امنیت انسانی بحث می‌شود. تولید گازهای گلخانه‌ای و تاثیر زیان‌بار آن بر تغییرات آب و هوایی یکی از بزرگترین معضلات جامعه بشری در این خصوص است. بنابراین موضوع تغییرات آب و هوایی ناشی از گرم شدن کره زمین و پیامدهای ناشی از آن تنها مرتبط با محیط زیست نمی‌باشد بلکه صلح و امنیت بشری را نیز متاثر می‌سازد. تغییرات آب و

هوایی و ذوب شدن یخ‌های قطبی و به زیر آب رفتن برخی جزایر کوچک موجب تغییراتی در مرزهای سیاسی می‌گردد و یا حتی امروزه از اوارگان زیست‌محیطی سخن می‌رانند که یکی از چالش‌های عمده و بالقوه جامعه بین‌المللی است.^۴ لذا تغییرات آب و هوایی با صلح و امنیت بشری پیوند عمیقی دارد و موضوعی نیست که صرفاً بتوان در چارچوب مناسبات متقابل مورد بررسی قرار گیرد بلکه مستلزم اقدامات شایسته از طرف کل جامعه بین‌المللی است.

(ب) ماهیت حقوقی توسعه پایدار

اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست از یک وضعیت حقوقی روشن برخوردار نیستند و تردیدهای زیادی درباره ماهیت حقوقی آن‌ها وجود دارد. اصول زیست‌محیطی معمولاً در قالب اعلامیه‌ها، توصیه‌نامه‌ها یا کنوانسیون‌های بین‌المللی بیان می‌گردند و به سبب ماهیت حقوقی مبهم و نامشخص برخی از این اصول در سطح حقوق ملی، مشکلاتی را در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کنند. برای اصول کلی حقوق بین‌الملل می‌توان قائل به سه نوع اصل شد: الف) اصولی که منشأ ملی دارند. ب) اصولی که مستقیماً در پهنه حقوق بین‌الملل ایجاد شده‌اند. ج) اصولی مثل اصل حُسن نیت که قلمرو جهان‌شمول داشته و در تمامی نظام‌های حقوقی وجود دارد. اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست، بیشتر ناشی از دسته دوم هستند و در حقوق بین‌الملل حیات یافته‌اند بدون اینکه از حقوق داخلی اقتباس شده باشند.

4. Gonin, P. et Lassailly-Jacob, V., «Les réfugiés de l'environnement», Revue européenne des migrations internationales, vol. 18, n.2, 2002, pp. 139-160.

یکی از استثنائات این اصول، اصل احتیاط زیست محیطی است که مسقیما و تحت تاثیر حقوق المان وارد حقوق بین الملل محیط زیست گردید.

فارغ از مسائل مربوط به منشا شکل گیری اصول حقوق بین الملل محیط زیست، پرسش اساسی مربوط به ماهیت حقوقی این اصول در عرصه بین المللی است. آیا می توان برای توسعه پایدار ماهیتی عرفی قائل شد؟ در خصوص ماهیت عرفی برخی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست همچون اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین کم ترین تردیدی وجود ندارد اما این عرفی بودن در مورد سایر اصول حقوق بین الملل محیط زیست صادق نمی باشد و حتی در آموزه های علمای حقوق در مورد برخی از آنها همچون اصل احتیاط مجادلات زیادی وجود دارد.^۵

جهت تعیین ماهیت حقوقی عرفی یک قاعده، عناصر مادی و معنوی رفتار و پراتیک دولت ها مورد ارزیابی قرار می گیرد. شناسایی و تکرار اصول زیست محیطی در اسناد مختلف می تواند موجب تحقق عنصر مادی عرف شود اما این شناسایی به تنهایی وافی به مقصود نیست و باید عنصر معنوی و اعتقاد حقوقی به لازم الاجرا بودن آن نیز بدان اضافه گردد. بنابراین رفتار و رویه رسمی متحدالشکل و مداوم دولت نه تنها از طریق کنوانسیون های بین المللی یا منطقه ای بلکه از طریق مقررات ملی، اعلامیه های مختلف و همچنین تصمیمات صادره از مراجع ملی مشخص می شود. پرسش دیگر این است که آیا

5. Martin-Bidou, P., «Le principe de précaution en droit international de l'environnement», RGDIP, 1999-3, p. 662.

می‌توان ارجاع‌های گوناگون به توسعه پایدار را در اسناد مختلف دال بر تحقق عنصر مادی عرف تلقی کرد؟ پیر-ماری دوپویی دوام و تکرار ارجاع به توسعه پایدار در اسناد مختلف الزام‌آور و غیر الزام‌آور مربوط به حفاظت از محیط زیست را مبین نوعی «جهان‌شمولی اعتقاد حقوقی» می‌داند که رفتار و پراتیک مرتبط با آن در طول زمان محقق شده است.^۶

همان‌طور که در بالا به اختصار گذشت، آموزه‌های حقوقی در رابطه با اصول و مفاهیم زیست‌محیطی اتفاق نظر ندارند. در خصوص توسعه پایدار مطالب زیادی به رشته تحریر درآمده است و هر کدام از نویسندگان برای «توسعه پایدار» از واژه‌ی «اصل» یا «مفهوم» توسعه پایدار استفاده کرده‌اند.^۷ علت چنین امری این است که بعضی اصول بر خلاف اصول دیگر فاقد یک وضعیت مستقل در حقوق موضوعه می‌باشند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سد بین مجارستان و اسلواکی در سال ۱۹۹۷ از «مفهوم»^۸

6. Dupuy, P. M., «Où en est le droit international de l'environnement à la fin du siècle?», RGDIP, 1997-4, p. 887.

7. A. Ch. Kiss, M. Prieur, M. Kamato.

۸. دیوان از واژه Concept «مفهوم کلی یا اجمالی» برای بیان توسعه پایدار استفاده می‌کند و آن را ترجمان ضرورت مصالحه توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست می‌داند. واژه Concept یا مفهوم کلی یا اجمالی در مقابل واژه Conception یا مفهوم تفصیلی به کار می‌رود. «مفهوم کلی به جهت بسیط و دقیق بودن آسانتر مورد توافق قرار می‌گیرد و بیشتر در اسناد عام و اعلامیه‌ها به کار می‌رود. مفاهیم تفصیلی به جهت غلظت، تعین و لزوم دادن محتوا و حد و حصر به قاعده قابل مناقشه‌تر هستند. در حالی که مفهوم تفصیلی بیشتر در اسناد الزام‌آور بین‌المللی و قوانین داخلی آورده می‌شوند». نک: به: ایده، آسیبورن، کراوزه، کاتارینا و روساس، آلن، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ترجمه اردشیر امیراجمند، انتشارات مجد، ۱۳۸۹، ص ۱۳.

توسعه پایدار»^۹ سخن راند، در حالی که قاضی وریمانتری در نظر انفرادی خود^{۱۰} در همان رای تجزیه و تحلیل جامعی انجام داد و در آن از توسعه پایدار به عنوان یک اصل با ویژگی هنجاری مهم یاد کرد.^{۱۱}

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی ۱۹۹۶ و رای ترافی ۱۹۹۷ مطالب جالبی درباره حقوق بین‌الملل محیط زیست بیان می‌کند. در نظر مشورتی ۱۹۹۶ در خصوص مشروعیت تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای به موضوع محیط زیست توجه شده و از این منظر حقوق نسل‌های آینده مورد شناسایی قرار می‌گیرد. در بند ۲۹ نظر مشورتی آمده است: «دیوان واقف است که محیط زیست روز به روز تهدید می‌شود و کاربرد سلاح‌های هسته‌ای می‌تواند یک مصیبت برای محیط طبیعی باشد. دیوان همچنین توجه دارد که محیط زیست یک امر انتزاعی نیست بلکه فضایی است که انبای بشر در آن زندگی می‌کنند و کیفیت حیات و سلامت آن‌ها و همچنین نسل‌های آینده به آن بستگی دارد. تعهد عامی که بر عهده دولت‌ها به منظور مراقبت نسبت به اقدامات اعمال شده در محدوده صلاحیت یا نظارت آن‌ها جهت حفاظت از محیط زیست سایر دولت‌ها یا در مناطقی که تحت صلاحیت ملی هیچ کشوری نیست اکنون بخشی از بدنه قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست است».^{۱۲} دیوان در رای ترافی خود در قضیه سد گابچیکو-ناگیماروش

9. Concept de développement durable.

10. Opinion individuelle de M. Weeramantry, 1997.

11. Sohnle, Jochen, «Irruption du droit de l'environnement dans la jurisprudence de la CIJ: l'affaire Gabčíkovo-Nagymaros», RGDIP, 1998, 1, p. 108.

12. CIJ, Avis consultatif sur la licéité de la menace ou de l'emploi d'armes nucléaires,

بین مجارستان و اسلواکی در سال ۱۹۹۷ به توسعه پایدار اشاره کوتاهی می‌کند. دیوان مقرر می‌دارد: «طی قرن‌ها، انسان به دلایل اقتصادی یا غیر آن مداخله‌ی خود را در طبیعت قطع نکرده است. در گذشته، اقداماتش بدون توجه به آثار زیست‌محیطی بوده است. به لطف عرضه دورنماهای جدید علم و توجه روزافزون به خطرات ناشی از این مداخلات برای بشریت که شامل نسل‌های فعلی یا آینده است - هنجارها و خواسته‌های جدیدی در قالب تعدادی از اسناد بزرگ در طی دو دهه اخیر وضع گردید. هنجارها و خواسته‌های جدید نه تنها باید به صورت مناسبی توسط دولت‌ها در فعالیت‌های جدید بلکه باید در اقداماتی که دولت‌ها در گذشته متعهد شده‌اند نیز لحاظ گردد. مفهوم توسعه پایدار ترجمان ضرورت مصالحه توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است».^{۱۳}

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی خود به اهمیتی که احترام و حفظ محیط زیست برای دولت‌ها و کل ابنای بشر دارد، می‌پردازد. در پاراگراف ۲۹ نظر مشورتی خود دیوان به صورت مستقیم کیفیت حیات و سلامت «نسل‌های آینده» و در رای توافقی خود به خطرات ناشی از مداخلات انسان برای «بشریت که شامل نسل‌های فعلی یا آینده» می‌شود توجه می‌کند. مقایسه این دو تصمیم گویای این امر است که دیوان در هر دو مورد به موضوع «بشریت» و «نسل‌های اتی» توجه خاصی مبذول داشته است. «مفهوم مکانی محیط زیست، حق بر میراث مشترک بشریت را به همراه دارد و گسترش منفعت عمومی بشریت

←

8 juillet 1996, § 29.

13. CIJ, Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros (Hongrie / Slovaquie), 25 septembre 1997, §140.

در زمان موجب ایجاد مفهوم حقوق نسل‌های آینده می‌شود.^{۱۴}

مفاهیم میراث مشترک بشریت و حقوق نسل‌های آینده به‌طور تنگاتنگی با مفهوم توسعه پایدار در هم تنیده شده‌اند. مفهوم حقوق نسل‌های آینده و توسعه پایدار قرابت زیادی با یکدیگر دارند زیرا پایداری در توسعه در سیر زمان و رعایت حقوق آیندگان هر دو تداعی‌کننده بُعد زمانی می‌باشد.

با وجود مباحث متعدد درباره‌ی مفهوم و ماهیت حقوقی توسعه پایدار، این واژه به تدریج در ادبیات حقوقی وارد شد و به کرات در اسناد مختلفی که بعد از کنفرانس ریو ۱۹۹۲ تنظیم گردید، به کار رفت. برای مثال موسسه حقوق بین‌الملل در مواد ۳ و ۶ قطعنامه خود به دو موضوع توسعه پایدار و حیات نسل‌های فعلی و آینده اشاره می‌کند. ماده ۳ این قطعنامه مقرر می‌دارد: «تحقق موثر حق حیات در محیط زیست سالم باید در اهداف توسعه پایدار ادغام گردد». بر اساس ماده ۶ سند مزبور: «هر دولت [...] مکلف است ترتیبی دهد تا فعالیت‌های اعمال شده در محدوده صلاحیت یا تحت کنترل وی خساراتی به حیات نسل‌های فعلی و آینده وارد نکند».^{۱۵}

تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضایا به صورت خیلی گذرا به توسعه پایدار و تبیین مفهوم آن در راستای توجه به حقوق نسل‌های فعلی و آینده پرداخت. اما نظر انفرادی قاضی وریمانتری در قضیه سد در این باره درخور توجه است. ایشان در نظر

14. Kiss, A., Beurier, J. P., Droit international de l'environnement, pedone, 2004, p. 145.

15. Institut de droit international, session de Strasbourg, 4 septembre 1997.

انفرادی خود اعلام می‌کند که «دیوان در بند ۱۴۰ رای خود توسعه پایدار را به‌عنوان یک مفهوم توصیف می‌کند. با وجود این، من آن را بیش از یک مفهوم ساده ارزیابی می‌کنم. توسعه پایدار یک اصل با ارزش هنجاری و مهم در این خصوص می‌باشد. بدون دستگیری و دورنماهای آن [توسعه پایدار]، حل مسائل مطروحه در این قضیه مشکل خواهد بود». در ادامه ایشان ضمن تاکید بر اهمیت و نقش توسعه پایدار جهت حل و فصل اختلافات اتی مربوط به محیط زیست و خصوصا در قضیه سد، آن را به مثابه «اصل مصالحه» می‌پندارد که بین نیازهای توسعه و ضرورت حفاظت از محیط زیست قرار دارد.^{۱۶}

قضیه سد موجب طرح مسائل گوناگونی همچون جانشینی دولت‌ها، حقوق معاهدات، حقوق محیط زیست و مسوولیت بین‌المللی گردید. دولت مجارستان جهت توجیه تعلیق و توقف کارهای مربوط به طرح ناگیماروش در سال ۱۹۸۹ و نیز بخشی از طرح گابچیکو که آن کشور مسئول آن بوده است، به «حالت ضرورت اکولوژیک» استناد می‌کند. در واقع از این طریق دولت مجارستان در صدد توجیه عدم اجرا و تعلیق معاهده ۱۹۷۷ (بین مجارستان و چکسلواکی) و خاتمه آن بود. دولت خوانده نیز اعلام داشت که حالت ضرورت نمی‌تواند دلیلی جهت تعلیق تعهدات معاهده‌ای باشد و همچنین بر اساس حقوق مسوولیت دولت‌ها، تلقی «ضرورت اکولوژیک» یا «خطر اکولوژیک» به‌عنوان یکی از معاذیر عمل متخلفانه مورد تردید است.^{۱۷}

16. Opinion individuelle du juge Weeramantry, pp. 85-87.

17. CIJ, Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros (Hongrie / Slovaquie), 25 septembre 1997, § 44.

علاوه بر توجه به موضوع توسعه پایدار در قضایای پیشگفته، جامعه بین‌المللی جهت تقویت آن کنفرانس‌های دیگری برگزار کرد که زمینه‌ساز شروع دوره‌ی دوم توسعه پایدار شد.

فصل دوم) تداوم و تقویت توسعه پایدار(دوره‌ی دوم)

دوره‌ی دوم توسعه پایدار از کنفرانس ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ آغاز شد. البته باید قبل از آن به اهداف هزاره اشاره کرد که دو سال پیش از این کنفرانس تدوین گردید. دولت‌ها جهت پاسخ‌گویی به چالش‌های پیش روی جامعه بین‌الملل ۱۰۰ بر روی هشت مورد هدف‌گذاری کردند و توافق کردند تا سال ۲۰۱۵ این اهداف محقق گردند. در اهداف هزاره، هشت موضوع در دستور کار قرار داشت که از آن جمله می‌توان به «کاهش فقر شدید و گرسنگی» (هدف اول) و «تضمین محیط زیست پایدار» (هدف هفتم) اشاره کرد.^{۱۸} البته دوره دوم توسعه پایدار به‌طور خاص از کنفرانس ژوهانسبورگ آغاز و تا سال ۲۰۱۲ ادامه داشت. در کنفرانس ژوهانسبورگ دو سند مهم اعلامیه ژوهانسبورگ در مورد توسعه پایدار و همچنین پلان اجلاس جهانی توسعه پایدار به تصویب رسید. این دو سند ضمن تأکید مجدد بر مفاد مندرج در اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱، خواستار تقویت جایگاه توسعه پایدار بودند.

اعلامیه ژوهانسبورگ در بند ۵ خود بر وابستگی متقابل و مکمل ابعاد اصلی توسعه

18. Déclaration de millénaire, A/RES/55/2, 13 septembre 2000.

پایدار تاکید می‌کند. در این بند آمده است: «ما مسئولیت جمعی در قبال رشد وابستگی متقابل و مکمل توسعه پایدار - توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست - در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی داریم».

تقویت بیشتر جایگاه توسعه پایدار در جامعه بین‌المللی از جمله مواردی بود که هم در اعلامیه ژوهانسبورگ و هم در پلان اجرایی آن لحاظ گردید. سه پایه اصلی و اساسی توسعه پایدار بسان سه دایره متقاطع هستند که یکی اقتصاد، یکی اجتماع و دایره آخر آن محیط زیست است. نقطه تلاقی این سه دایره‌ی چیزی نیست جز توسعه پایدار. کنفرانس ژوهانسبورگ بر اعتقاد راسخ خود نسبت به پیگیری اصول ریو و اجرای دستور کار ۲۱ بر تسهیل تحقق اهداف باقی مانده تاکید می‌کند.

به این ترتیب تداوم و تقویت توسعه پایدار در دوره‌ی دوم در دو قالب اعلامیه هزاره و اسناد مصوب کنفرانس ژوهانسبورگ دنبال گردید. اعلامیه هزاره یکسری آرمان را بیان داشت تا در پرتو آن، جامعه بین‌المللی بتواند با مشکلات مبتلابه مقابله کند. فقرزدایی و تضمین محیط زیست پایدار جملگی از موارد مندرج در اهداف هزاره تلقی می‌شوند که به‌طور مستقیم در راستای تحقق توسعه پایدار نقش اساسی ایفا می‌کنند. جهت نیل به این اهداف، اعلامیه هزاره رهنمودهایی به جامعه دولت‌ها می‌کند تا با تاسی به این رهنمودها بتواند گامی موثر در راستای تحقق بُعد اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار بردارند و از این طریق نه تنها به اجرای توسعه پایدار (الف) بلکه به ادغام و پیوند ابعاد توسعه پایدار (ب) کمک نماید.

الف) اجرای توسعه پایدار

در کنفرانس ریو ۱۹۹۲ علاوه بر اعلامیه ریو، اسناد دیگری هم تصویب گردید که برنامه عمل یا دستور کار ۲۱ یکی از این اسناد است. همان طور که قبلاً ذکر گردید اعلامیه ریو تلاش کرد تا از طریق ایجاد پیوند تنگاتنگ و مصالحه بین توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست به توسعه پایدار عینیت بخشد. جهت تحقق اهداف مورد نظر در اعلامیه مزبور، دستور کار ۲۱ به مثابه آیین‌نامه اجرایی تلقی می‌شود که شیوه‌های اجرای مفاد مندرج در اعلامیه ریو را بیان می‌کند. این دستور کار از این جهت ۲۱ خوانده می‌شود که به منزله شیوه‌نامه‌ای برای تحقق توسعه پایدار برای هزاره سوم می‌باشد. اعلامیه ریو، راهکارهایی را جهت نیل به توسعه پایدار معرفی می‌کند که در چهار اصل از ۲۷ اصل مندرج در اعلامیه شناسایی شده‌اند. محو فقر (اصل ۵)، توجه دولت‌ها به مسئولیت مشترک اما متفاوت در قبال تخریب و الودگی محیط زیست (اصل ۷)، کاهش و حذف شیوه‌های تولید و مصرف تجدیدنپذیر (اصل ۸) و ادغام محیط زیست در تمامی سیاست‌های توسعه‌ای (اصل ۴) از اصولی هستند که برای اجرا و تحقق توسعه پایدار ضروری شمرده می‌شوند. تفصیل این اصول و نحوه‌ی اجرای آن‌ها جهت نیل به توسعه پایدار در دستور کار ۲۱ آمده است.

دستور کار ۲۱، سندی مفصل و مشتمل بر ۴۰ فصل می‌باشد. طی فصول مختلف این سند، ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، حفاظت و مدیریت منابع، تقویت نقش گروه‌های عمده و وسایل و ابزار اجرایی مورد توجه قرار گرفته‌اند. موضوع توسعه به نوعی در تمامی اصول اعلامیه ریو تبلور یافته و دولت‌ها تلاش کردند در قالب ترسیم خطوط راهبردی

مندرج در دستور کار ۲۱ به اهداف مورد نظر اعلامیه نائل گردند. بنابراین جهت اجرای توسعه پایدار باید به تمامی ابعاد اصلی آن یعنی بُعد اقتصادی، بُعد اجتماعی و بُعد زیست‌محیطی توجه کرد.

یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار حذف و ریشه‌کنی فقر در جهان است. فقرزدایی یکی از شرایط لازم جهت تحقق توسعه پایدار است. به منظور کاهش تفاوت‌های مربوط به سطح زندگی و پاسخ‌گویی به نیازهای اکثر مردم دنیا، دولت‌ها باید با یکدیگر همکاری کنند. هدف‌گذاری مربوط به کاهش فقر نیمی از افرادی که درآمدی کم‌تر از یک دلار در روز دارند برای سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵ از جمله اقدامات مربوط به ریشه‌کنی فقر در جهان است. تعداد افرادی که زیر استانه فقر بین‌المللی بسر می‌برند به میزان ۱ دلار و ۲۵ سنت در روز تثبیت شد و از ۱/۸ تا ۱/۴ میلیارد بین سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۵ گذشت.^{۱۹}

تغییر و اصلاح الگوی مصرف یکی دیگر از محورهای اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ می‌باشد. اصل ۸ اعلامیه ریو اشعار می‌دارد: «به منظور نیل به توسعه پایدار و بهترین کیفیت حیات برای انسان، دولت‌ها باید شیوه‌های تولید و مصرف غیر قابل تجدید را کاهش و حذف کنند و سیاست‌های جمعیتی متناسبی را ارتقا بخشند». از تولید تا مصرف باید به گونه‌ای باشد که کم‌ترین خسارات را به محیط زیست وارد کند، زیرا تولید پسماندهای زیاد در مسیر تولید می‌تواند آثار و تبعات برای محیط زیستی داشته باشد. از طرف دیگر

19. Fiche d'information concernant l'objectif 1, Publié par le Département de l'information de l'ONU- DPI/2650 A-20-22 Septembre 2010.

بازیافت این پسماندها و بازگشت آن به چرخه تولید می‌تواند کمک شایانی به حفظ منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نماید. تولید محصولات قابل بازیافت و مصرف بهینه و به حداقل رساندن تولید پسماندها یکی از راهبردها و سیاست‌های ملی است که باید توسط دولت‌ها لحاظ شود تا از این طریق توسعه پایدار تقویت گردد.

مسئولیت مشترک اما متفاوت یکی دیگر از مفاهیمی است که در اجرا و تحقق توسعه پایدار موثر است. اصل ۷ اعلامیه ریو، مسئولیت مشترک اما متفاوت را مورد شناسایی قرار می‌دهد. این اصل متأثر از مفهوم میراث مشترک بشریت^{۲۰} است و بر طبق آن دولت‌ها مسئولیت مشترک در قبال حفاظت از محیط زیست داشته و در ضمن نسبت به اعمال چنین تکلیفی، مسئولیت‌ها و تعهدات متفاوتی بر عهده خواهند داشت. این تفاوت در تعهدات و مسئولیت‌ها متأثر از عوامل متعددی چون اوضاع و احوال و وضعیت اقتصادی کشورها می‌باشد. چنین وضعیتی تنها منحصر به حقوق بین‌الملل محیط زیست نمی‌شود بلکه در حقوق بین‌الملل توسعه نیز وجود دارد. به نظر می‌رسد بتوان نابرابری جبرانی و امتیازات ترجیحی کشورهای کم‌تر توسعه یافته و در حال توسعه را یکی از مصادیق بارز تعهد و

۲۰. میراث مشترک بشریت رسماً در کنفرانس ملل متحد در مورد حقوق دریا در ابتدای دهه ۱۹۷۰ مطرح شد. به‌طور خلاصه می‌توان آن را در سه نکته خلاصه کرد: الف) استفاده انحصاری برای مقاصد صلح‌آمیز؛ ب) بهره‌برداری معقول و حفاظت از آن؛ ج) مدیریت و اداره صحیح و انتقال به نسل‌های آینده. برای اطلاعات جامع و بیشتر نک. به:

Kiss, A., «La notion de patrimoine commun de l'humanité», RCADI, tome 175, pp. 103-256; Kiss, A., Beurier, J. P., Droit international de l'environnement, pedone, 2004, pp. 147-149.

مسئولیت‌های متفاوت تلقی کرد. این تفاوت خود یکی از مظاهر اصل انصاف در حقوق بین‌الملل است.^{۲۱}

علاوه بر موارد پیش گفته (فقر، تولید و مصرف تجدیدپذیر و مسئولیت مشترک اما متفاوت) باید یک جایگاه ویژه برای ادغام محیط زیست در تمامی سیاست‌های توسعه‌ای به عنوان عنصر چهارم جهت تحقق و اجرای توسعه پایدار قائل شد که در قسمت بعد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. اما قبل از آن باید به تقویت نقش گروه‌های عمده اشاره کرد که در اکثر اسناد زیست‌محیطی مورد شناسایی قرار گرفته است. اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ بر نقش و مشارکت جدی گروه‌های اجتماعی همچون زنان، جوانان، جمعیت‌های بومی، کشاورزان، مجامع محلی و سازمان‌های غیر دولتی و غیره در تحقق اهداف، سیاست‌ها و سازکارهای مورد نظر در این اسناد جهت اجرای توسعه پایدار تاکید دارند. دستیابی به توسعه پایدار مستلزم مشارکت گسترده عموم مردم در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی است. در واقع یکی از پیش‌شرط‌های اساسی به منظور نیل به توسعه پایدار تحقق اصل مشارکت زیست‌محیطی است که در اصل ۱۰ اعلامیه ریو مورد شناسایی واقع شده است. بر اساس اصل ۱۰ اعلامیه ریو: «بهتر است که مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت کلیه شهروندان ذیربط در سطحی مطلوب مورد بررسی قرار گیرد. در سطح ملی هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط زیست در اختیار دارند از

۲۱. برای اطلاعات بیشتر نک به: عبداللّهی، محسن و معرفی، سعیده، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش و سیاست، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹، ص ۲۰۱.

جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشد و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نماید. دولت‌ها باید، با دادن اطلاعات به مردم، حساسیت و مشارکت عموم را تسهیل و تشویق نمایند. دست‌یازی و دسترسی موثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری، از جمله مجازات و جبران خسارت، باید تضمین گردد.^{۲۲} پس تضمین مشارکت همه شهروندان در راستای اهداف مورد نظر در اصل ۱۰ اعلامیه ریو، به منزله‌ی اجرایی کردن حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر تلقی می‌شود.

این اصل سه مولفه اساسی دسترسی به اطلاعات، مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و در نهایت عدالت زیست‌محیطی را مطرح می‌نماید. میان این مولفه‌ها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ برای مثال بدون داشتن اطلاعات لازم، امکان مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری فراهم نمی‌شود. فصول ۲۳ تا ۳۴ دستور کار ۲۱ به نقش افراد و گروه‌های تاثیرگذار در این عرصه می‌پردازد. بی‌تردید نهادهای فرهنگی زیست‌محیطی در لایه‌های اصلی جامعه به مدد بازیگران جامعه مدنی می‌تواند کمک شایانی به توسعه پایدار بکند. تقویت نقش بازیگران غیر دولتی در کنار نهادهای دولتی متولی امر در حوزه محیط زیست نه تنها می‌تواند موجب کم رنگ شدن الگوهای توسعه ناپایدار گردد بلکه موجب شکوفایی مردم‌سالاری زیست‌محیطی می‌شود.

۲۲. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله پژوهش و سیاست، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹، صص. ۸۷-۱۱۴.

پس تحقق توسعه پایدار بدون ادغام و تقویت ابعاد سه‌گانه‌اش بسان کالبدی بی‌روح است. بدین جهت ادغام ابعاد توسعه پایدار باید در تمام مراحل از مطالعه، تصمیم‌گیری و اجرای کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ها در سطح ملی و بین‌المللی لحاظ شود.

ب) ادغام و تقویت ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار

توسعه پایدار متشکل از ابعاد سه‌گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است. مفهوم توسعه پایدار در قالب اصول مندرج در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ بیان شده است. برخی از این اصول هسته مرکزی توسعه پایدار و برخی دیگر همچون اصل مشارکت و اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت اجرای آن را به عهده دارند. در اینجا تنها به اصولی که نقش مهمی در شکل‌گیری توسعه پایدار و قوام‌بخش ابعاد سه‌گانه هستند خواهیم پرداخت. هسته سخت و اصلی توسعه پایدار متکی به دو اصل ادغام و انصاف است که در ذیل به ترتیب مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

۱- اصل ادغام

اصل ادغام به‌طور صریح در اصل چهارم اعلامیه ریو مورد شناسایی واقع شده است. طبق این اصل «برای نیل به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید بخش جدانشدنی فرایند توسعه باشد و نمی‌تواند از آن جدا تلقی گردد». به عبارت دیگر پایداری توسعه حاصل ادغام و پیوند بین مسائل توسعه با حفاظت از محیط زیست است. اصل ۴ اعلامیه به‌خوبی گویای چنین واقعیتی است و حکایت از ضرورت ادغام، تعامل و وابستگی بین

محیط زیست و توسعه دارد.

اصل ادغام معمولاً به صورت یک دایره متقاطع یا یک مثلث نمایش داده می‌شود که در صورت اخیر دارای متغیرهای گوناگونی است. سه ضلع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی هر کدام اهداف مختص به خود را دارا می‌باشند و در بعضی موارد نیز اضلاع آن دوجنبین هستند؛ برای مثال زمانی که از «ملاحظات اجتماعی» در توسعه صحبت می‌کنیم نمی‌توانیم نسبت به فقر و بیکاری بی‌تفاوت باشیم که هر دوی آن‌ها به شدت با مسائل اقتصادی تنیده شده‌اند.^{۲۳}

اعلامیه و پلان اجرای اجلاس ژوهانسبورگ بر ادغام و پیوند میان ابعاد سه‌گانه‌ی توسعه پایدار تاکید دارند. اعلامیه مزبور مقرر می‌دارد: «ابعاد مختلف توسعه پایدار: توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به هم وابسته‌اند و به صورت هم‌جانبه یکدیگر را تقویت می‌کنند».^{۲۴} در پلان اجرای اجلاس ژوهانسبورگ «دولت‌ها متعهد شدند تا تدابیری را جهت پیشرفت همکاری‌های بین‌المللی جهت نیل به اهداف باقی مانده از کنفرانس ریو اتخاذ کنند و بدین منظور ادغام سه عنصر اصلی وابسته‌ی توسعه پایدار، رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست را تسهیل کنند».^{۲۵} در پاراگراف ۱۴۰

23. Claerebout, Véronique, Le développement durable en droit international: mise en œuvre juridique et instrumentalisation du concept, Thèse, Université de Nice - Sophia Antipolis, 13 décembre 2011, p.4.

24. Déclaration de Johannesburg sur le développement durable, A/CONF.199/20, 2002, § 5.

25. Plan de mise en œuvre du Sommet mondial pour le développement durable, A/CONF.199/20, 2002, § 2.

پلان اجرایی اجلاس مقرر می‌دارد: جامعه بین‌المللی باید «ادغام ابعاد سه‌گانه سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به توسعه پایدار را تقویت کند و به‌طور کامل ادغام اهداف مربوط به توسعه پایدار را در برنامه‌ها و سیاست‌های ارکانی که مسائل اجتماعی را رتق و فتق می‌نمایند ارتقا بخشد».

علاوه بر اسناد غیر الزام‌آور که به برخی از آن‌ها اشاره شد، اسناد الزام‌آور نیز به اصل ادغام توجه کرده‌اند. کنوانسیون‌های تنوع زیستی و تغییرات آب و هوایی مصوب ۱۹۹۲ به‌عنوان اولین اسناد حقوقی هستند که به‌طور خاص ادغام مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و حتی مسائل حقوق بشر را لحاظ کرده‌اند.

۲- اصل انصاف

اصل انصاف دومین اصلی است که هسته‌ی مرکزی توسعه پایدار را تقویت می‌کند. انصاف به معنی برابری و روح عدالت است. اصل ۳ اعلامیه ریو اشعار می‌دارد: «حق بر توسعه باید به ترتیبی تحقق یابد که به‌طور منصفانه نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های فعلی و آینده را تامین نماید». همان‌طور که قبلاً ذکر شد این اصل متأثر از تعریف ارائه شده در گزارش خانم برونتلند است. اصل انصاف و عدالت بین نسلی به‌خوبی در اصل ۳ اعلامیه ریو متبلور شده و رعایت حقوق نسل‌های آتی لحاظ شده است. به نظر می‌رسد حق هر شخص بر عدالت توزیعی که بر اساس آن ثروت‌ها و هزینه‌ها به بهترین شکل بین افراد تقسیم می‌شود مورد شناسایی قرار گرفته است. اما این که بر اساس چه معیاری باید این تقسیم صورت گیرد، بسته به جامعه و نوع سیستم اقتصادی آن جامعه است؛ این تقسیم در

یک سیستم کاملاً لیبرال و آزاد بر اساس کار و شایستگی و در یک سیستم کاملاً سوسیالیست بر اساس نیازها صورت می‌گیرد.^{۲۶} اگر به‌خوبی به اصل انصاف مندرج در اصل سوم اعلامیه ریو توجه کنیم وجود دو جنبه این اصل را تصدیق خواهیم کرد: اولاً جنبه‌ی بین نسلی که مربوط به نسل‌های آتیه است و ثانیاً مسئولیتی که در قبال نسل‌های آینده در دیباچه منشور ملل متحد نیز بدان اشاره شده است. دیباچه منشور ملل متحد با به‌کارگیری عباراتی چون: «ما، مردم ملل متحد مصمم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از مصیبت جنگ هستیم» به صورت مستقیم از نسل‌های آینده سخن رانده است. در فصل ۹ منشور ملل متحد که مربوط به همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی است می‌توان ریشه‌های مربوط به انصاف را پیدا کرد. ماده ۵۵ منشور مقرر می‌دارد: «با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تامین روابط دوستانه ... ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد: الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی ...».

بنابراین برای نیل به توسعه پایدار حذف فقر یکی از اقدامات اساسی است که مستلزم همکاری بین‌المللی دولت‌هاست و به همین جهت نیز اعلامیه ریو به این موضوع تاکید کرده است. اصل ۵ اعلامیه ریو مقرر می‌دارد: «دولت‌ها و مردم همه باید در راه محو فقر، که شرطی ضروری برای توسعه پایدار است، به منظور کاهش اختلاف سطح زندگی و

26. Malinvaud, Philippe, Introduction à l'étude du droit, Litec, 10^{ème} édition, 2004, p. 16.

پاسخ بهتر به نیازهای اکثریت مردم دنیا، با یکدیگر همکاری نمایند».

فقر در اشکال مختلف متظاهر می‌شود و صرفاً به فقدان درآمد و منابع کافی برای امرار معاش روزانه ختم نمی‌شود بلکه موارد دیگری چون بدی بهداشت، عدم دسترسی یا دسترسی محدود به آموزش و سایر خدمات اولیه، فقدان و کمبود مسکن، محیط زیست ناسالم و غیره را نیز در بر می‌گیرد.^{۲۷}

با توجه به مطالب پیش گفته، ذکر این نکته لازم است که ادغام محیط زیست در تمام تصمیمات و راهبردهای عمومی و خصوصی یک ضرورت غیر قابل گذشت است. بنابراین در تمام زمینه‌ها باید محیط زیست نصب‌العین قرار گیرد و هر اقدامی در حوزه‌ی طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای باید با لحاظ کردن مسائل زیست‌محیطی صورت پذیرد.

فصل سوم) ارزیابی گذشته، حال و دورنمای اتی توسعه پایدار (دوره‌ی سوم)

دوره‌ی سوم توسعه پایدار مربوط به کنفرانس ریو + ۲۰ می‌شود. هدف از برگزاری این کنفرانس، ارزیابی اقدامات انجام شده در خصوص توسعه پایدار طی دوره ۲۰ ساله یعنی از کنفرانس ریو ۱۹۹۲ تا کنفرانس ریو ۲۰۱۲ می‌باشد و به همین دلیل است که نام کنفرانس را ریو + ۲۰ نامیده‌اند. این کنفرانس علاوه بر بررسی اقدامات صورت گرفته در

27. Programme d'action du Sommet mondial pour le développement social, 1995, § 19.

ادوار قبلی توسعه پایدار به چالش‌های^{۲۸} پیش روی جامعه بین‌المللی در خصوص توسعه پایدار می‌پردازد. توجه به بیان اقدامات انجام گرفته توسط جامعه بین‌المللی در این عرصه امکان ترسیم دورنمای اتی توسعه پایدار و تثبیت چارچوبی برای پیشرفت در سال‌های آینده را می‌دهد. در کنفرانس اخیر محیط زیست، ضمن بررسی وضعیت توسعه پایدار در قالب سندی تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» (الف) مسئله اقتصاد سبز (ب) به عنوان یکی از محورهای اصلی مورد توجه قرار گرفت.

الف) آینده‌ای که ما می‌خواهیم: خمیر مایه کنفرانس ریو + ۲۰

کنفرانس ریو + ۲۰ همانند کنفرانس ریو ۱۹۹۲ از اهمیت زیادی برخوردار بود، زیرا نمایندگان اکثر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در آن شرکت داشتند. از حیث زمان‌بندی و تاریخ برگزاری کنفرانس ریو + ۲۰ می‌توان قائل به سه بخش شد: از تاریخ ۱۳ تا ۱۵ ژوئن به آخرین مرحله مذاکره ۱۹۳ کشور مذاکره‌کننده و از ۱۶ تا ۱۹ ژوئن به نمایندگان جامعه یعنی شهروندان، سازمان‌های غیر دولتی، دانشگاهیان و غیره اختصاص داشت. النهایه آخرین مرحله کنفرانس یعنی از ۲۰ تا ۲۲ ژوئن، کنفرانس به معنای اخص کلمه به روسای

۲۸. جامعه جهانی با چالش‌های گوناگونی چون بحران‌های اقتصادی و مالی، عدم امنیت غذایی، تغییرات آب و هوایی و غیره روبه‌رو است. علاوه بر این باید به مشکلات جمعیتی اشاره کرد، زیرا تا سال ۲۰۵۰ جمعیت ۷ میلیاردی فعلی به ۹ میلیارد افزایش پیدا خواهد کرد و از طرف دیگر باید متذکر شد که در حال حاضر ۱/۴ میلیارد نفر در فقر شدید به‌سر می‌برند. نک: به:

L'avenir que nous voulons, A/conf.216/L.1, 19 juin 2012, para. 21.

دولت‌ها اختصاص داشت. کنفرانس ریو + ۲۰ با بحران شدید اقتصادی در جهان و همچنین اجلاس گروه ۲۰ در گس کابوس مکزیکی تقارن پیدا کرد. عدم حضور پرمعنای روسای جمهور امریکا و چین در کنفرانس ریو شاید قرینه‌ای بر عدم عزم راسخ این دولت‌ها نسبت به اهداف آن باشد. به نظر می‌رسد نزدیک بودن انتخابات ایالات متحده در عدم حضور رئیس جمهور این کشور در کنفرانس ریو + ۲۰ بی‌تاثیر نبوده است.

از حیث شرکت‌کنندگان در این کنفرانس لازم به ذکر است که علاوه بر دول عضو سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی نیز حق شرکت در این کنفرانس را داشتند. جهت برقراری کنفرانس ریو + ۲۰ اقدامات مقدماتی زیادی صورت گرفت و از ۲ سال قبل از برگزاری کنفرانس هر یک از دولت‌ها مواضع خود را بعد از هماهنگی با بازیگران مختلف غیر دولتی همچون سازمان‌های غیر دولتی و بنگاه‌ها و غیره تعیین کردند. حاصل این مباحثات مبنای مذاکراتی شد که در مقر ملل متحد در نیویورک دنبال گردید و در نهایت موجب تدوین سندی تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۲ شد. این سند مبنای تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس ریو + ۲۰ قرار گرفت و اعلامیه نهایی کنفرانس مزبور بر آن اساس تدوین گردید.

این سند مشتمل بر یک مقدمه تحت عنوان دیدگاه مشترک ما و چهار بخش دیگر می‌باشد. در نسخه ابتدایی این سند، به دلیل اختلافات زیاد بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، اغلب مفاد سند همانند سایر اسناد در قالب [کروشه] تدوین شد. در مجموع، این سند در بخش‌های چهارگانه خود، موضوعات مربوط به الف) تجدید تعهدات سیاسی ب) اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر ج) چارچوب نهادین توسعه

پایدار و د) چارچوب عمل و پیگیری را لحاظ کرد.

در مقدمه‌ی این سند به موضوعات حذف تمامی اشکال فقر و تثبیت و رشد اقتصادی برای همه، تحقق اهداف هزاره، تقویت همکاری و بررسی چالش‌های فعلی و در حال ظهور و تمرکز بر توسعه انسانی و همچنین تجدید تعهد در قبال توسعه پایدار و پر کردن خلاءهای موجود اشاره شده است. دولت‌ها مصمم هستند تا از هیچ کوششی برای نیل سریع به اهداف توسعه مورد توافق در سطح بین‌المللی و همچنین نیل به اهداف هزاره برای توسعه تا سال ۲۰۱۵ خودداری نکنند.

سند نهایی کنفرانس ریو + ۲۰ در تجدید تعهدات سیاسی به سه نکته اساسی تکیه می‌کند. الف) تاکید بر اصول ریو و برنامه‌های عمل قبلی مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار. سند مزبور سیاهه کاملی از اسناد بین‌المللی را مورد تاکید و تایید مجدد قرار می‌دهد که قبل از کنفرانس ریو ۲۰۱۲ تدوین شده‌اند. اکثر اسناد مورد استناد به صورت اعلامیه، برنامه عمل و یا راهبرد بوده است که فاقد الزام حقوقی به معنای اخص کلمه هستند. اما در عین حال به اسناد معاهده‌ای همچون کنوانسیون چارچوب ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی، کنوانسیون مربوط به تنوع زیستی و کنوانسیون ملل متحد در مورد بیابان‌زایی اشاره و بر اهمیت این سه سند برای ارتقای توسعه پایدار تاکید شده است. سند تمام دولت‌های عضو این کنوانسیون‌ها را علاوه بر پایبندی کامل نسبت به تعهدات‌شان در قبال اصول و مقررات مندرج در آن اسناد، به اتخاذ تدابیر موثر و مشخص در تمام سطوح و تقویت همکاری بین‌المللی تشویق می‌کند. ب) تقویت ادغام، اجرا و انسجام. ارزیابی پیشرفت‌های حاصل شده و خلاءهای موجود در اجرای اسناد اجلاس بزرگ در مورد

توسعه پایدار و مقابله با مشکلات موجود و جدید. پیشرفت‌های صورت پذیرفته در زمینه‌ی توسعه پایدار و فقرزدایی به صورت برابر نبوده است و به همین جهت نیز دولت‌ها بر ضرورت پیگیری اجرای تعهدات پذیرفته شدی قبلی اصرار ورزیدند. پر کردن فاصله سطح توسعه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته و ایجاد شرایط مناسب و تقویت همکاری‌های بین‌المللی خصوصا در حوزه‌ی مالی و اعطای وام، تجارت و انتقال فناوری در سطح ملی و بین‌المللی مورد تاکید اعضا بوده است.

علاوه بر ادغام ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار به صورت برابر باید به بحران‌های متعدد مالی، اقتصادی، غذایی، و انرژی اشاره کرد که بر ظرفیت کشورهای مختلف خصوصا کشورهای در حال توسعه تاثیر گذاشته است. برای مثال بیش از یک میلیارد نفر در جهان هنوز در فقر شدید و حدود ۱۴ درصد از جمعیت جهان از سوء تغذیه در رنج هستند که باید مشکلات مربوط به بهداشت عمومی و بیماری‌های مسری را بدان افزود که همچنان نگران‌کننده هستند.^{۲۹}

مشکلات دیگری نیز بر سر راه تحقق توسعه پایدار وجود دارد که از آن جمله می‌توان به وضعیت خاص کشورهای آسیب‌پذیر خصوصا در افریقا، کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته بدون ساحل و محاط، کشورهای با درآمد متوسط و یا در حال جنگ اشاره کرد. البته لازم به ذکر است که در مورد هر یک از چالش‌های فوق قبل از برگزاری کنفرانس ریو + ۲۰، برنامه عمل یا راهبرد ویژه‌ای اختصاص یافته است که سند نهایی

29. L'avenir que nous voulons, A/conf.216/L.1, 19 juin 2012, para. 21.

کنفرانس ریو ضمن تاکید مجدد، آن‌ها را مورد تایید قرار داده است. ج) گروه‌های عمده و سایر طرفین دارای نفوذ. آخرین نکته‌ای که در تجدید تعهدات سیاسی مورد توجه واقع شده است نقش گروه‌های عمده و دارای نفوذ می‌باشد. به همین دلیل نیز در ابتدا این بند به موضوع مشارکت عموم می‌پردازد. مشارکت یعنی اینکه صدای همه در مراکز تصمیم‌گیری شنیده شود. مشارکت واقعی، توانایی و فرصت تاثیرگذاران بر روی فرایند تصمیم‌گیری عمومی است که مستلزم یک درگیری فعال و مداوم است.^{۳۰} مشارکت شهروندان و ذینفع‌ها موجب می‌شود که دولت‌ها بتوانند با رعایت نیازها و احتیاجات گروه‌های ذینفع، دست به انتخاب آگاهانه بزنند و در این راستا نیز گروه‌های مزبور بتوانند از حقوق خودشان محافظت نمایند. رویکرد مشارکتی سبب دخالت گروه‌هایی می‌شود که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم از تصمیمات اتخاذ شده متاثر می‌شوند. به عبارت دیگر این احساس در ایشان ایجاد می‌شود که موفقیت و ناکامی طرح‌های مصوب را ناشی از اقدامات خود بدانند. هر چه احساس تعلق در نزد شهروندان و گروه‌های ذینفع بیشتر شود در نتیجه ایشان به‌طور فعالانه در فرایند تصمیم‌گیری درگیر خواهند شد.

نقش عموم و مشارکت ایشان در توسعه پایدار مهم ارزیابی می‌گردد چه اینکه حق دسترسی ایشان به اطلاعات و دسترسی آن‌ها به مراجع اداری و قضایی برای ارتقای توسعه پایدار ضروری است. یک بار دیگر به مفاد اصل ۱۰ اعلامیه ریو ۱۹۹۲ در خصوص اصل

۳۰. الوانی، سیدمهدی، «نقش مشارکت عمومی در اثربخشی مدیریت دولتی»، نشر مدیریت و توسعه،

شماره ۸، سال ۱۳۸۰، ص ۱۳.

مشارکت اشاره می‌شود و رعایت آن در حوزه‌ی توسعه پایدار مورد توجه قرار می‌گیرد. دسترسی به اطلاعات و مشارکت در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در خصوص سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار و طراحی و اجرای آن‌ها در تمامی سطوح از این نقطه نظر مورد اهتمام جامعه بین‌المللی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب گروه‌های عمده و تاثیرگذار همچون زنان، جوانان، سازمان‌های غیر دولتی، بومیان، کارگران، سندیکاها، کشاورزان، صیادان و غیره در حوزه‌ی توسعه پایدار احصا می‌شوند و بر نقش فعالانه‌ی جامعه‌ی مدنی در توسعه پایدار تاکید می‌گردد.

علاوه بر تجدید تعهدات سیاسی، اقتصاد سبز یکی دیگر از محورهای اصلی سند نهایی ریو + ۲۰ است که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازیم.

ب) چستی و چرایی اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر

از دهه هفتاد میلادی به این سو بارها واژه «محصول سبز»، «اقتصاد سبز یا رشد سبز»^{۳۱} را شنیده‌ایم. اقتصاد سبز را معمولاً در مقابل اقتصاد قهوه‌ای به کار می‌برند؛ زمانی که به صورت بی‌حد و حصر از منابع فسیلی و غیر قابل تجدید استفاده شود. رعایت ضوابط زیست‌محیطی در تمامی مراحل تولید موجب می‌شود تا محصول تولید شده سبز تلقی گردد. برای تبیین بیشتر موضوع به تجزیه و تحلیل اقتصاد سبز خواهیم پرداخت. اقتصاد سبز

31. Verreault, L., L'émergence de l'économie verte: quel rôle pour les acteurs publics?, ENAP, 2011, p. 2.

از دید اقتصادی در دو سطح اقتصاد خرد و کلان قابل بررسی است. در سطح خرد «اقتصاد سبز» به اقتصادی اطلاق می‌شود که کارخانه‌ها و بنگاه‌های کوچک اقتصادی اقدام به تولید محصولات سبز می‌نمایند. از نقطه نظر اقتصاد کلان امر قدری پیچیده‌تر است؛ زیرا صرف تولید محصولات سبز به تنهایی کفایت نمی‌کند بلکه باید تولید این محصولات با میزان استفاده از منابع تجدیدناپذیر مورد مقایسه قرار گیرد. به عبارت دیگر سهم محصولات سبز در تولید ناخالص داخلی یک کشور باید برای مثال از سهم حاصله از محصولات ناشی از منابع نفتی آن کشور جدا گردد. لذا ارزیابی سهم هر یک از محصولات یاد شده در تولید ناخالص داخلی مشخص خواهد کرد که اقتصاد سبز در تحلیل نهایی از حیث اقتصاد کلان از چه جایگاهی برخوردار است.

از نظر برنامه ملل متحد برای محیط زیست (یونپ) اقتصاد سبز به «اقتصادی که موجب بهبود اسایش انسانی و انصاف اجتماعی و همچنین به طرز قابل توجهی موجب کاهش خطرات زیست‌محیطی و کمیابی منابع گردد، اطلاق می‌شود».^{۳۲} در تحلیل‌های اقتصادی هزینه و فایده یکی از عوامل موثر در تداوم فعالیت و رقابت در عرصه اقتصادی است. بالا بودن هزینه‌های اقتصادی محصولات تولید شده‌ی سبز موانع متعددی برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، در کوتاه‌مدت تولید این محصولات موجب بی‌ رغبتی بنگاه‌ها و کارخانجات کشورهای در حال توسعه می‌گردد و به همین دلیل نیز نسبت به

32. Vers une économie verte: pour un développement durable, Rapport du PNUE, 2011.

به کارگیری استانداردهای زیست محیطی در فرایند تولید روی خوش نشان نمی دهند. برای مثال این کشورها معتقدند که بیشترین الایندگی ناشی از انتشار گاز کربنیک توسط کشورهای صنعتی است و آنها در ابتدای مسیر توسعه و صنعتی شدن به هیچ وجه هزینه های اقتصادی مربوط به رعایت استانداردهای زیست محیطی را تقبل نکرده اند.

اجرای سیاست های ارتقای اقتصاد سبز، مرحله ی گذار و انتقال به سمت توسعه پایدار را تضمین می کند. البته اجرای چنین سیاستی مستلزم همکاری مشترک همه می باشد. تولید محصولات سبز به اعتبار تولید کننده و مصرف کننده قابل بررسی است، زیرا هر یک از آنها به سهم خود نقش مهمی در تحقق اهداف مورد نظر در اقتصاد سبز دارند. تولید کنندگان با رعایت ضوابط و استانداردهای زیست محیطی کمک شایانی به تولید محصول سبز خواهند کرد و مصرف کنندگان با خرید چنین محصولاتی حلقه دیگر این زنجیر را تکمیل می نمایند. تولید محصول سبز ناشی از رعایت استانداردها و به کارگیری انرژی های پاک است. استفاده از منابع تجدید پذیر موجب حفظ منابع طبیعی می گردد و از این منظر ضمن تولید محصولات سبز نیل به توسعه پایدار تضمین می شود. به جهت بالا بودن قیمت تمام شده محصولات سبز باید مصرف کننده در انتخاب بین این محصولات و محصولاتی که استانداردهای زیست محیطی را رعایت نمی کنند به سمت محصولات سبز گرایش پیدا کند. این کار چندان آسانی نیست، زیرا مصرف کننده باید به آن درجه از درک اجتماعی نائل شده باشد تا بدون هیچ تردیدی نسبت به پرداخت بهای اضافی محصولات سبز اقدام نماید.

بنابراین نقش دولت در این خصوص حیاتی است زیرا از یک طرف باید بر تولید

محصولات سبز و رعایت استانداردهای زیست محیطی نظارت کند و از طرف دیگر باید مصرف محصولات سبز را تبلیغ و ترویج نماید تا مصرف کنندگان به خرید چنین محصولاتی گرایش پیدا کنند. به نظر می رسد دولت ها باید بیشترین فعالیت خود را معطوف بخش دوم نمایند زیرا با تغییر رویکرد و سلیقه مصرف کننده و تمایل ایشان به خرید محصولات سبز، تولید کنندگان خود بخود به سمت تولید محصول سبز گرایش پیدا خواهند کرد. اقبال محصولات سبز در جامعه و متقاضی فراوان چنین محصولاتی موجب گرایش تولید کننده به سمت تولید این محصولات می شود زیرا در غیر این صورت بایستی از گردونه اقتصادی خارج شود. تربیت و آموزش مصرف کننده سبز و بازاریابی سبز سبب تولید محصول سبز می گردد و در غیر این صورت این مفاهیم معنا و مفهوم خود را از دست خواهند داد.

با خرید محصولات سبز بخشی از هزینه های تولید چنین محصولاتی توسط مصرف کننده پرداخت می شود ولی بخش دیگر آن باید مورد حمایت دولت ها قرار گیرد. تخفیف ها و معافیت های مالیاتی برای تولید کنندگان چنین محصولاتی می تواند مشوق خوب و موثری برای تداوم تولید محصولات سبز و حمایت از تولید کنندگان باشد. لذا نقش دولت در این خصوص قابل توجه خواهد بود و می تواند در تحقق توسعه پایدار موثر باشد.

شکل گیری اقتصاد سبز در قالب ملل متحد در چارچوب اقدامات بانک جهانی و برنامه ملل متحد برای محیط زیست (یونپ) قابل بررسی است. نقطه عطف توجه بانک جهانی به مسائل زیست محیطی به دهه هشتاد میلادی باز می گردد. تحت فشار سازمان های

غیر دولتی در کشورهای اصلی سهامدار بانک، مسائل محیط زیستی خصوصا موضوع آثار زیست محیطی لحاظ شد. بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۴، بانک جهانی حدود ۴۰۰ سند تحت عناوین «سیاست‌های حمایتی»، «دستورالعمل‌های عملیاتی»، «خطوط راهبردی»، «کتاب پیشگیری و کاهش الودگی»، «راهنمای رویه‌های خوب» تدوین کرد. این اسناد موضوعات متنوعی همچون ارزیابی زیست محیطی، زیستگاه‌های اکولوژیک، جمعیت‌های بومی، جنگل‌ها، افت‌کش‌ها، سدها، جابه‌جایی اجباری، مدیریت آب و انرژی را مورد توجه قرار داده است.^{۳۳}

بانک جهانی در طرح‌های زیست محیطی نیز سرمایه‌گذاری می‌کند؛ اما این سرمایه‌گذاری هرگز از ۱۰ درصد کل سرمایه‌گذاری آن بانک تجاوز نمی‌کند. به‌طور کلی رعایت سیاست‌های زیست محیطی توسط بانک جنبه محدود دارد. بانک جهانی طرح‌ها را از حیث آثار زیست محیطی در سه گروه طبقه‌بندی می‌کند. تنها طرح‌های دارای خطرات زیاد در جزئیات مورد بررسی و مشورت محلی قرار می‌گیرند. در دهه ۹۰، تعداد ۱۸۶ طرح یعنی تنها حدود ۱۲ درصد از طرح‌های گروه الف که دارای خطرات زیادی هستند مورد ارزیابی زیست محیطی عمیق قرار گرفت. بیش از نیمی از عملیات بانک بدون اثر منفی بر محیط زیست تشخیص داده شد. در مورد بعضی از طرح‌ها، بانک جهانی به شدت مورد انتقاد واقع شده است. در خصوص طرح‌هایی چون سدسازی‌های بزرگ، بهره‌برداری

33. Ballande, Hélène, «La Banque mondiale a-t-elle raté sa révolution verte?», l'économie politique, 2001/2, n. 10, p. 57.

صنعتی از جنگل در برزیل یا اندونزی ایرادات زیادی وارد شده زیرا این اقدامات سبب تخریب جنگل‌ها گردیده است.^{۳۴}

در سال ۲۰۱۲، بانک جهانی گزارشی موسوم به «رشد سبز و استوار لازم است» را تدوین کرد. در این گزارش، بانک جهانی دولت‌ها را تشویق می‌کند تا به سمت سیاست‌های رشد سبز گرایش پیدا کنند.

گزارش اخیر بانک جهانی^{۳۵} بر موارد زیر تاکید دارد:

الف) «سبز شدن رشد» کارآمد ضروری است و برای نیل به توسعه پایدار لازم است.
ب) موانع سیاسی، وجود رفتارها و هنجارهای شدیداً ایستا و همچنین فقدان ابزار مالی اصلی‌ترین موانع برای رشد سبز هستند. باید بر روی سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ۵ تا ۱۰ ساله متمرکز شد. هدف خروج از رشد غیر پایدار و پرهیز از آثار زیان‌بار بهداشت عمومی است.

ج) پیشرفت از طریق راه‌حل‌های بین رشته‌ای می‌گذرد که جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی را در نظر می‌گیرند.

د) رشد سبز مفهومی یک جنبه‌ای و سخت نیست و بر اساس راهبردهای متنوع بر اساس کشورها با توجه به وضعیت، الویت‌ها و منابع محلی ترسیم می‌شود. تمام کشورهای فقیر یا غنی امکان سبز شدن رشد را دارا می‌باشند بدون اینکه رشد آن‌ها کند گردد.

34. Ibid, pp. 59 et 61.

35. Rapport de la Banque mondiale: une croissance verte et solidaire est nécessaire, 2012.

گزارش برنامه ملل متحد برای محیط زیست، تحت عنوان «به سوی اقتصاد سبز: برای توسعه پایدار»^{۳۶} در خصوص تبیین اقتصاد سبز پیشرو است. لذا جا دارد به اختصار به نقش یونپ در شکل‌گیری اقتصاد سبز و مفاد مندرج در این گزارش اشاره شود. گزارش اخیر یونپ از این جهت حائز اهمیت است که: اولاً به صورت مشخص موضوع اقتصاد سبز را مورد بررسی قرار می‌دهد. ثانیاً راهبردهای اجرایی مورد توجه دولت‌ها را عرضه می‌کند. ثالثاً این سند هدایت‌گر مباحثات مطروحه در ریو + ۲۰ در مورد اقتصاد سبز بوده است. نتایج گزارش یونپ را می‌توان بدین صورت خلاصه کرد:

- ۱- سرمایه‌گذاری تنها ۲ درصد از درآمد ناخالص داخلی جهانی در ۱۰ بخش کلیدی امکان حرکت به سمت یک اقتصاد با انتشار محدود کربن و استفاده‌ی معقول از منابع را می‌دهد.
- ۲- یک اقتصاد خیلی سبز نه تنها موجب رشد به معنای سرمایه‌ی طبیعی می‌شود، بلکه موجب رشد درآمد ناخالص داخلی نیز می‌گردد.
- ۳- اقتصاد سبز موجب سرمایه‌گذاری در سرمایه‌ی طبیعی و بالا رفتن ارزش آن می‌شود.
- ۴- اقتصاد سبز در مبارزه علیه فقر نقش دارد.
- ۵- گذار به سمت یک اقتصاد سبز در طول زمان موجب ایجاد فرصت شغلی جدید

36. Vers une économie verte: pour un développement durable, Rapport du PNUE, 2011.

می‌شود.

۶- دادن الویت به هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمومی در حوزه‌هایی که تغییر اکولوژیک را در بخش‌های اقتصادی تسهیل می‌کند، اساسی است.

۷- اقتصاد سبز می‌تواند همانند اقتصاد قهوه‌ای موجب رشد و ایجاد شغل گردد و در عین حال بهترین نتایج را در میان‌مدت و درازمدت با اعطا و عرضه بیشترین امتیازات زیست‌محیطی و اجتماعی به دست آورد.

همان‌طور که در بالا مشخص شد، اقتصاد سبز از جمله موضوعاتی است که امروزه بیش از پیش در دستور کار برخی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفته است زیرا این اقتصاد می‌تواند در خدمت تحقق توسعه پایدار قرار گیرد. به همین جهت اقتصاد سبز یکی از مهم‌ترین محورهای کنفرانس ریو + ۲۰ بود. اقتصاد سبز یک ابزار مهم و کلیدی برای توسعه پایدار تلقی می‌گردد. این اقتصاد ضمن توجه به ارزش‌های طبیعت و محیط زیست، در حذف فقر و ریشه‌کنی آن نقش مهمی ایفا می‌کند. اگر به پلان اجرای اجلاس جهانی توسعه پایدار ژوهانسبورگ نگاه بکنیم، همان سه عنصر اساسی توسعه پایدار یعنی رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت از محیط زیست مورد توجه قرار گرفته‌اند و مبارزه با فقر، تغییر و اصلاح الگوی‌های تولید و مصرف ناپایدار و حفاظت از مدیریت منابع طبیعی جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی ضروری قلمداد شده‌اند.

تفاوت اساسی سند نهایی کنفرانس ریو + ۲۰ با اسناد قبلی خود در خصوص توسعه پایدار در این است که سند اخیرالتصویب توجه خاصی به اقتصاد سبز مبذول داشته است. البته همه کشورها نسبت به این موضوع اتفاق نظر ندارند و حتی برخی از کشورها اساسا

نسبت به مفهوم اقتصاد سبز رویکرد مناسبی نداشتند.^{۳۷} بدینی و نگرانی کشورهای در حال توسعه‌ای چون برزیل نسبت به اقتصاد سبز ناشی از این بود که این کشورها اقتصاد مزبور را سبب توقف و کُندی رشد اقتصاد خود می‌دانند.

شاید اقتصاد سبز در کوتاه‌مدت مشکلاتی را برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کند اما در درازمدت می‌تواند در ایجاد فرصت‌های شغلی، ظرفیت و توانمندسازی کمک زیادی به بهبود ادغام اجتماعی و حذف فقر کند. از طرف دیگر سبز بودن اقتصاد و بهره‌وری معقول و منصفانه از منابع به پایداری و قابل تجدید بودن آن کمک خواهد کرد که در این صورت عنصر سوم توسعه پایدار که حفاظت از محیط زیست است تقویت خواهد شد.

۳۷. نطق رئیس جمهور کشور بولیوی در کنفرانس ریو + ۲۰ گواه چنین مدعایی است. آقای مورالس رئیس جمهور بولیوی، اقتصاد سبز را «استعمار جدید» تلقی کرد که توسط کشورهای ثروتمند بر کشورهای در حال توسعه تحمیل شده است. به نظر ایشان کشورهای شمال می‌خواهند به بهانه‌ی حفاظت از محیط زیست در سیاست‌های ملی کشورهای در حال توسعه مداخله کنند. هم‌چنین رئیس جمهور اکوادور رافائل کورا اعلام کرد «۶۰ درصد از گازهای گلخانه‌ای توسط ۲۰ درصد از ثروتمندترین کشورها تولید می‌شود در حالی که ۲۰ درصد از فقیرترین کشورها کم‌تر از یک درصد از این گازها را تولید می‌کنند.» دولت هند با درخواست از رهبران جهان نسبت به حفاظت از زمین اعلام کرد که: «اقتصاد سبز سوداگری کردن طبیعت و جنایتی علیه زمین و بشریت تلقی می‌شود.» نگاه کنید به :

Rio+20: la société civile monte au créneau pour dénoncer "l'échec" du sommet de l'ONU, www.liberation.fr/depeches/2012/06/21/rio20-l-economie-verte-est-une-nouvelle-forme-de-colonialisme-des-riches-selon-la-bolivie_828183, consulté le 9 juillet 2012.

بنابراین اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر دیده می‌شود و هر کشور با توجه به اوضاع و احوال و الویت‌های ملی دارای رویکرد، نگاه، مدل‌ها و ابزار متنوعی جهت نیل به توسعه پایدار در ابعاد سه‌گانه‌اش می‌باشد. به اقتصاد سبز باید به‌عنوان یک فرصت نگریست و نه یک تهدید؛ تحقق این اقتصاد یکی از ابزارهای ارزشمند برای نیل به توسعه پایدار است و می‌تواند راه‌حلی برای شکل‌گیری سیاست‌ها باشد.

سند نهایی کنفرانس ریو + ۲۰ شرایطی را برای سیاست‌های ارتقای اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر اعلام می‌دارد. در این سند ابتدا بر مطابقت این سیاست‌ها با اصول ریو، دستور کار ۲۱ و پلان ژوهانسبورگ اشاره و در ادامه سیاهه‌ای طولانی از شرایط تطابق این سیاست‌ها^{۳۸} به قرار زیر احصا گردیده است:

الف) مطابقت با حقوق بین‌الملل؛

ب) احترام به حاکمیت هر کشور بر منابع طبیعی خود با توجه به اوضاع و احوال، اهداف، مسئولیت‌ها و الویت‌های ملی و همچنین حاشیه مانور تصمیم‌گیری هر کشور در رابطه با سه بُعد توسعه پایدار؛

ج) دادن نقش اول به دولت‌ها و مشارکت تمامی طرفین ذیربط از جمله جامعه‌ی مدنی و تاکید بر محیط زیست و نهادهایی که به‌طور صحیح در تمامی سطوح اشتغال دارند؛

د) ارتقای رشد اقتصادی پایدار و غیر انحصاری، تسهیل ابداع، عرضه امکانات،

38. L'avenir que nous voulons, A/conf.216/L.1, 19 juin 2012, para.58.

امتیازات و ابزار عملی برای همه و تضمین رعایت حقوق بشر برای همه؛

ه) توجه به نیازهای کشورهای در حال توسعه خصوصاً کشورهای با وضعیت خاص؛

و) تقویت همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی منابع مالی، توسعه ظرفیت‌ها و انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه؛

ز) خودداری از تحمیل شرایط غیر موجه نسبت به کمک‌های عمومی توسعه و مالی؛

ح) عدم اعمال تبعیض خودسرانه یا غیر موجه، محدودیت پوشیده بر مبادلات بین‌المللی، خودداری از اقدامات یکجانبه جهت حل مشکلات بزرگ اکولوژیک در ورای صلاحیت کشور واردکننده و توجه به ابتدای تدابیر مبارزه علیه مشکلات زیست‌محیطی فرامرزی یا جهانی تا حد ممکن بر وفاق عام بین‌المللی؛

ط) مشارکت در پر کردن خلاءهای فناوری بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و کاهش وابستگی فناوری کشورهای در حال توسعه از طریق تمامی ابزار ممکن؛

ی) بهبود اسایش افراد و جوامع بومی، سایر جمعیت‌های محلی و سنتی و اقلیت‌های قومی با شناسایی و تکیه بر هویت، فرهنگ و منافع آن‌ها، و خودداری از به خطر انداختن میراث فرهنگی، رویه‌ها و دانستنی‌های سنتی آن‌ها با حفظ و احترام به رویکردهای غیر تجاری که بر حذف فقر مشارکت دارند؛

ک) بهبود اسایش زنان، کودکان، جوانان، معلولین، معدنچیان و خرده‌کشاورزان، صیادان و کارگران بنگاه‌های کوچک و متوسط و بهبود ابزارهای امرار و معاش و استقلال گروه‌های بومی و آسیب‌پذیر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه؛

ل) جانب‌داری از همه ظرفیت‌هایی که به زنان و مردان عرضه می‌شود و تضمین

مشارکت برابر آن‌ها؛

م) ارتقای فعالیت‌های مولد جهت حذف فقر در کشورهای در حال توسعه؛

ن) پاسخ به نگرانی‌های مربوط به نابرابری‌ها و ارتقای ادغام اجتماعی به‌ویژه حمایت اجتماعی حداقلی؛

س) ارتقای شیوه‌های تولید و مصرف پایدار؛

ع) پیگیری کوشش‌های انجام شده برای اجرای رویکردهای توسعه‌ی منصفانه و بدون انحصار برای مبارزه با فقر و نابرابری‌ها.

قسمت اعظم شرایط مذکور برای سیاست‌های ارتقای توسعه سبز، به نحوی در اسناد دوره‌ی اول و دوم توسعه پایدار مورد شناسایی واقع شده‌اند. برخی از این شرایط جنبه‌ی کلی و عام دارند، مانند شرط اول آن که مطابقت سیاست‌های ارتقای اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر را با حقوق بین‌الملل پیش‌بینی می‌کند.

نتیجه‌گیری

جامعه بین‌الملل از دهه نود توسعه پایدار را در دستور کار خود قرار داد و در این راه نیز تلاش کرد تا بین ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار مصالحه‌ای ایجاد نماید. بدین جهت موضوعاتی چون رشد اقتصادی، فقر و حفاظت از منابع طبیعی هر یک به نوبه‌ی خود از اهمیت زیادی برخوردار شدند.

در کنفرانس‌های متعدد بین‌المللی دولت‌ها تلاش کردند تا نقطه‌نظرهای خود را به یکدیگر نزدیک تا بدین وسیله در راستای تحقق توسعه پایدار گام بردارند. از ابتدای شکل‌گیری توسعه پایدار تا برگزاری آخرین کنفرانس مربوط به آن (کنفرانس ریو + ۲۰)، اقدامات زیادی صورت گرفته که کم و بیش مفید بوده‌اند. کنفرانس اخیر توسعه پایدار نمایان‌گر ارزیابی گذشته، حال و دورنمای اتی توسعه پایدار و چالش‌های پیش روی جامعه بین‌المللی است. علیرغم مشارکت اکثر دولت‌ها در سطح عالی در کنفرانس ریو + ۲۰ و به صف شدن روسای کشورها جهت استفاده از تریبون کنفرانس برای اعلام دیدگاه‌های رسمی دولت خود در قبال این موضوع باید اذعان داشت که همچنان مشکلات زیادی پیش روی جامعه بین‌المللی وجود دارد. از جمله این که شکاف موجود بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در مورد موضوعات مربوط به تغییرات آب و هوایی، اقتصاد سبز، انتقال فن‌آوری و غیره همچنان خودنمایی می‌کند.

با این اوصاف، کنفرانس ریو + ۲۰ تصمیمات اجلاس و کنفرانس‌های قبلی را تکرار و مورد تایید قرار داد. یکی از این موارد، احصای حوزه‌های موضوعی توسعه پایدار است. یکی از نوآوری‌های کنفرانس ریو + ۲۰ طرح موضوع اقتصاد سبز است که در اسناد

قبل‌ی نمود عینی پیدا نکرده بود. اجرا و نیل به اقتصاد سبز با توجه به تفاوت‌های بنیادین در سطح توسعه‌یافتگی دولت‌ها از حیث اقتصادی مشکل می‌نماید. یکی از محورهای دیگر کنفرانس مزبور موضوع چارچوب‌های نهادین توسعه پایدار بود. پیشنهادهای زیادی جهت بهبود توسعه پایدار ارائه گردید که برخی از آن‌ها ناظر به تقویت نهادهای موجود و برخی دیگر مربوط به ایجاد چارچوب‌های نهادین جدید در حوزه‌ی توسعه پایدار بود. همان‌طور که قبلاً نیز ذکر شد سازمان ملل متحد نقش محوری در توسعه پایدار بازی می‌کند؛ بدین جهت برخی از ارکان این سازمان همانند شورای اقتصادی و اجتماعی قادر به بررسی سیاست‌ها و مسائلی که مربوط به توسعه اقتصادی و اجتماعی است، می‌باشند. برای مقابله با مسائل و مشکلات جهانی در حوزه‌ی توسعه پایدار که جنبه فوریت دارد باید یک سیستم چندجانبه باز، شفاف، اصلاح و تقویت شده و موثر در دستور کار قرار گیرد. گسترش تجانس و هماهنگی در مجموعه سیستم ملل متحد کمک شایانی به ادغام ابعاد توسعه پایدار خواهد کرد. نقش مجمع عمومی ملل متحد به‌عنوان نماد اصلی حضور تمامی دولت‌ها و رکن تثبیت‌کننده جهت‌گیری‌های سازمان و قرار دادن توسعه پایدار در دستور کار فعالیت‌های ملل متحد اهمیت بسزایی دارد. شورای اقتصادی و اجتماعی بنابر مأموریتی که منشور ملل متحد به وی اعطا کرده است ارگان اصلی پیگیری و هماهنگی نتایج حاصل از مجموعه اجلاس‌های اصلی و کنفرانس‌های ملل متحد راجع به مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و سایر مسائل مرتبط است. علاوه بر تقویت نهادهای موجود در

راستای تحقق توسعه پایدار، موضوع ایجاد یک مرجع عالی سیاسی جدید نیز مطرح گردید. در پیش‌نویس اولیه^{۳۹} سند کنفرانس ریو + ۲۰ نهادهای متعددی پیش‌بینی شده بود که در سند نهایی کنفرانس لحاظ نگردیدند. یکی از تغییرات پیشنهادی این بود که کمیسیون توسعه پایدار مبدل به شورای توسعه پایدار گردد و وظایف و اختیارات کمیسیون مزبور در خصوص توسعه و اجرای دستور کار ۲۱، فعالیت‌ها و اقدامات کمیسیون و همچنین تقویت مشارکت گروه‌های عمده جهت ادامه اهداف ریو + ۲۰ را در دستور کار خود قرار دهد. همچنین ایجاد کمیساریای عالی نسل‌های آینده برای ارتقای توسعه پایدار و ایجاد آژانس تخصصی ملل متحد برای محیط زیست با ترکیبی جهانی برای شورای اداری بر اساس مدل یونپ پیشنهاد شد. البته هیچ یک از این پیشنهادها با اقبالی روبه‌رو نشدند.

با وجود صورت‌بندی توسعه پایدار از دهه نود به این سو، در مورد به اجرا گذاشتن آن در مراجع بین‌المللی همچنان ابهامات زیادی وجود دارد. برخی از مولفه‌های توسعه پایدار همچون رعایت حقوق نسل‌های فعلی و آینده در قضایای ترافیکی و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قالب نقطه‌نظرهای جنبی مطرح شده‌اند اما همچنان در قالب مفهوم کلی باقی مانده‌اند.

با توجه به اهمیت حقوق هنجاری در حقوق بین‌الملل محیط زیست و تصویب اسناد غیر الزام‌آور متعدد درباره توسعه پایدار باید متذکر شد که هنوز اقدامات زیادی از طرف جامعه بین‌المللی لازم و ضروری است. در نهایت این که به‌طور قطع نمی‌توان ادعا کرد که

39. The Future we wante, 10 January 2012, para. 49, 51 et 57.

نتایج حاصل از کنفرانس ریو + ۲۰ به طور کامل رضایت بخش بوده است؛ زیرا سند نهایی کنفرانس «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» یک سند غیر الزام‌آور می‌باشد و اثر حقوقی به معنای اخص کلمه بر آن مترتب نیست. اما باید اذعان داشت که طرح موضوع اقتصاد سبز در این سند و بازنگری احتمالی در ساختار نهادهای موجود و متولی توسعه پایدار و محیط زیست به همراه اراده راسخ دولت‌ها در این حوزه می‌تواند گام موثری در راستای تحقق واقعی توسعه پایدار به حساب آید.

منابع

الف: فارسی

۱. الوانی، سیدمهدی، «نقش مشارکت عمومی در اثربخشی مدیریت دولتی»، نشر مدیریت و توسعه، شماره ۸، سال ۱۳۸۰.
۲. ایده، اسپورن؛ کراوزه، کاتارینا؛ و روساس، الن، *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، ترجمه اردشیر امیرارجمند، انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
۳. رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین، «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *مجله پژوهش و سیاست*، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹.
۴. عبداللهی، محسن؛ معرفی، سعیده، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط زیست»، *مجله پژوهش و سیاست*، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹.

ب: لاتین

۱) کتاب‌ها

1. Kiss, A., Beurier, J. P., *Droit international de l'environnement*, pedone, 2004.
2. Malinvaud, Philippe, *Introduction à l'étude du droit*, Litec, 10^{ème} édition, 2004.

۲) مقاله‌ها

1. Ballande, Hélène, «La Banque mondiale a-t-elle raté sa révolution verte?», *l'économie politique*, 2001/2, n. 10.
2. Claerebout, Véronique, *Le développement durable en droit international: mise en œuvre juridique et instrumentalisation du concept*, Thèse, Université de Nice - Sophia Antipolis, 13 décembre 2011.
3. Dupuy, P. M., «Où en est le droit international de l'environnement à la fin du siècle?», *RGDIP*, 1997-4.
4. Gonin, p. et Lassailly-Jacob, v., «Les réfugiés de l'environnement», *Revue*

- européenne des migrations internationales, vol. 18, n.2, 2002.
5. Kiss, A., «La notion de patrimoine commun de l'humanité», *RCADI*, tome 175, 1982-2.
 6. Martin-Bidou, P., «Le principe de précaution en droit international de l'environnement», *RGDIP*, 1999-3.
 7. Sohnle, Jochen, «Irruption du droit de l'environnement dans la jurisprudence de la CIJ: l'affaire Gabčíkovo-Nagymaros», *RGDIP*, 1998, 1.
 8. Verreault, L., L'émergence de l'économie verte: quel rôle pour les acteurs publics?, ENAP, 2011.

(۳) اسناد

1. Accord instituant l'Organisation mondiale du commerce, 1994.
2. Affaire relative au projet Gabčíkovo-Nagymaros (Hongrie / Slovaquie), CIJ, 25 septembre 1997.
3. Avis consultatif sur la licéité de la menace ou de l'emploi d'armes nucléaires, CIJ, 8 juillet 1996.
4. Déclaration de Johannesburg sur le développement durable, A/CONF.199/20, 2002.
5. Déclaration de millénaire, A/RES/55/2, 13 septembre 2000.
6. Déclaration de Rio, 1992.
7. Fiche d'information concernant l'objectif 1, Publié par le Département de l'information de l'ONU- DPI/2650 A-20-22 Septembre 2010.
8. L'avenir que nous voulons, A/conf.216/L.1, 19 juin 2012.
9. Opinion individuelle de M. Weeramantry, 1997.
10. Plan de mise en œuvre du Sommet mondial pour le développement durable, A/CONF.199/20, 2002.
11. Programme d'action du Sommet mondial pour le développement social, 1995.
12. Rapport de la Banque mondiale: une croissance verte et solidaire est nécessaire, 2012.
13. Résolution de l'Institut de droit international, session de Strasbourg, 4 septembre 1997.
14. Rio+20: la société civile monte au créneau pour dénoncer "l'échec" du sommet de l'ONU, www.liberation.fr/depeches/2012/06/21/rio20-l-economie-verte-est-une-nouvelle-forme-de-colonialisme-des-riches-selon-la-bolivia_828183
15. Stratégie mondiale de la conservation, UICN, PNUE et WWF, 1980.
16. The Future we want, 10 January 2012.
17. Vers une économie verte: pour un développement durable, Rapport du PNUE, 2011.